

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

عبید الله حر جعفری به حضرت عرض کرد من بیم از مرگ دارم .

قاسم عرضه داشت « الموت عندی احلی من العسل »

او (امام حسین علیه السلام) فرزند خانواده ای است که هنر خوب مردن را در مکتب حیات، خوب آموخته است... آموزگار بزرگ شهادت اکنون برخاسته است تا به همه آنها که جهاد را تنها در توانستن می فهمند و به همه آنها که پیروزی بر خصم را تنها در غلبه، بیاموزد که شهادت نه یک باختن، که یک انتخاب است؛ انتخابی که در آن، مجاهد با قربانی کردن خویش در آستانه معبد آزادی و محراب عشق، پیروز می شود و حسین «وارث آدم» - که به بنی آدم زیستن داد - و «وارث پیامبران بزرگ» - که به انسان چگونه باید زیست را آموختند - اکنون آمده است تا در این روزگار به فرزندان آدم چگونه باید مردن را بیاموزند. شهادت، هنر مردان خداست؛ چنان که خوب زیستن و خوب زندگی کردن، هنر مردان الهی می باشد. خوب مردن نیز هنری است که در درجه اول، شهدا آن را به ارث می برند. شهدا شمع های فروزانی هستند که با نثار هستی و وجود خود در محضر حق تعالی، پیروز می شوند. سیدالشهداء سمبل و الگوی خوب مردن (شهادت) در همه اعصار است. مقتدایان امام حسین علیه السلام کسانی هستند که از مایه جان خویش در راه خدا نثار می کنند و به راستی حسین آموزگار بزرگ شهادت است که هنر خوب مردن را در جان بی تاب انسان های عاشق، تزریق می کند.

نه از لحاظ زمانی امکان فرار دارد

إذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة و لا يستقدمون : نفس های شما شمرده شده است
روایت سلیمان: که زمانی که مرگش فرا رسید هیچ زمانی به او داده نشد.

نه از لحاظ مکانی امکان فرار دارد

اینما تکنونوا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیدة (نساء/ ۷۸) : حتی اگر در قلعه های بلند باشید مرگ شما را پیدا خواهد کرد.

* قوم ثمود در سوراخ کوه رفتند

بنابراین مرگ پدیده ای است که امکان فرار از آن وجود ندارد و لذا از نظر اسلامی باید برای آن برنامه ریزی کرد

مولوی از زبان قوم سبا:

طوطی نقل و شکر بودیم ما/ مرغ مرگ اندیش گشتیم از شما

حدود ۱۲۰۰ آیه قرآن و سه جلد (۸ و ۷ و ۶) بحار الانوار

بر خلاف تمدن غرب که کاری میکند که یاد مرگ از ذهن ها برود:

مثلا شیوع بیش از اندازه رسانه باعث شده که خلوت از انسانها گرفته شود و لذا کمتر به مرگ فکر میشود

یا مظاهر مرگ را از انسانها دور میکنند

مثلا قبرستانها خارج از شهرها رفته است

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

تبدیل به تفرجگاه شده اند

مراسمهای فوت تبدیل به تشریفات شده است و خالی از پند گیری

غرب ها به خاطر عدم باور به هنر خوب زندگی کردن

از زمان باستان، مردم از خود می پرسند که زندگی خوب چگونه است؟ بهترین روش برای زندگی کردن

چیست؟ زندگی خوب از چه چیزهایی تشکیل شده است؟ نقش سرنوشت چیست؟ نقش پول چیست؟ آیا

هدایت یک زندگی خوب یک سؤال ذهنی است یا دستیابی به آرزوها و اهداف است؟ آیا بهتر است برای

رسیدن به خوشبختی تلاش کرد یا از اتفاقهای ناخشنود جلوگیری کرد؟

این مجموعه سؤالها طی قرنهای گذشته هیچگاه تغییر نکرده اند زیرا افراد به دنبال یک اصل واحد یا یک

قانون کامل برای خوب زندگی کردن هستند اما زمان نشان داده است برای دستیابی به کیفیت درست

زندگی مجموعه ای از تلاشها و مهارتها لازم است. «رولف دوبلی»، در کتاب «هنر خوب زندگی کردن» از

پنجاه و دو ابزار صحبت می کند که با به کارگیری آنها می توان کیفیت یک زندگی را افزایش داد.

اسلام دائما انسان را به یاد مرگ می اندازد.

نشانه کیاست و زیرکی شناخته شده است. پیامبر: اکثرهم ذکرا للموت و اشد هم استعداد له

ایها الناس تجهزوا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل

فرار از مرگ به معنای عدم مواجهه با آن نیست.

باعث زنده دلی میشود.

داستان عطار نیشابوری که باعث زنده دلی وی شد.

سه برخورد با مرگ میتوان داشت:

برخورد مأیوسانه

ابوالعلاء معری: هذه جنایة ابی و ما جنیت باحد

برخورد غافلانه و بی خیالی

خیام: از دی که گذشت هیچ یاد مکن / فردا که نیامدست فریاد مکن

برنامه و گذشته بنیاد مکن / حالی خوش باش عمر بر باد مکن

دیدگاه واقع بینانه: از دنیا استفاده کن اما دو چیز را فراموش نکن:

شأن دنیا مسافر خانه است:

البته به معنای تلاش نکردن نیست

اما تعلق نباید داشت

داستان امام و آن طلبه ای که هیچ تعلقی نداشت

به حرکات دنیا جهت اخروی بدهیم

لذا باید برنامه ریزی کرد

زیرا کسی تضمین نکرده است شما به پیری برسید.

ما به امور تدریجی عادت کرده ایم . اما الموت یأتی بغتة.

داستان میرزای شیرازی در پاسخ به اینکه اگر بدانی یک هفته بیشتر زنده نخواهی بود.

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

بر فرض به پیری برسید قدرت های شما کمتر میشود
موعظه شیخ مرتضی طالقانی به علامه جعفری در سه روز مانده به محرم:
تا ز دستت میرسد شو کارگر / چون فتی از پای، خواهی زد به سر
موعظه امیر المومنین به پسرش:
و اعلم انک انما خلقت للآخرة لا للدنيا و للفناء لا للبقاء و للموت لا للحیاء
از آداب احتزار سینه میت را سبک کنند. اما مظلوم آن کسی بود که ...

مقدمتا گفته شود که آیا در روایات خوف من الموت داریم؟ در روایات ذکر الموت داریم نه خوف من الموت.
چون مرگ چیز ترسناکی نیست
بعضی فکر میکنند با یاد مرگ به مرگ نزدیک میشوند
غرب یاد مرگ را در ذهن ما کوچک میکند. میت را در زینت های دنیایی تزیین میکنند به طوری که انگار
نمرده است. تشییع را دیگران انجام میدهند. غسل دادن را دیگران انجام میدهند

اثار یاد مرگ:

برکت در عمر: ذکر الموت تورث ... (رجوع شود به بحث برکت الموت استاد عالی)
جلوه ملکوتی مرگ: عرض عمر مهم است نه طول آن: علامه مجلسی در طول ۶۳ سال عمر خویش ۱۱۰
جلد کتاب بحار الانوار را نوشتند
جلوه مادی مرگ: استفاده از بهره ها
کوچک شدن دنیا: مرگ هادم اللذات است. اجازه سرمست شدن را به انسان نمیدهد.
قانع شدن به کم دنیا: من اکثر ذکر الموت رضی فی الدنيا بالیسیر
کان لی فی ما مضی
داستان
کنترل شهوت: بهترین راه برای کنترل شهوت زیاد یاد کردن از مرگ است. در جبهه ها جوانان زیاد یاد
مرگ میکردند
رفع غفلت: یاد خدا در دل ها زیاد میشود
اطمینان به وعده های الهی
لطافت: یرقی الطبع: شرط لذت بردن از مناجات حفظ لطافت
داستان امیری اسفندقه

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

در اسلام ذکر الموت داریم نه خوف از مرگ
انس با مرگ باعث عدم ترس میشود
حضرت امیر فرمودند انی انس بموت من الطفل بصدی امه
ذکر الموت تطیل العمر
تزید فی الرزق
یاد مرگ باید در زندگی باید بیاید تا برای آن برنامه ریزی کنیم نه اینکه افسرده شویم
امیرالمومنین: اذا حملت جنازة فاعلم انک یوم محمول
هفت قدم در تشییع میت
غسل ۷ مومن
دستوراتی که برای یاد مرگ آمده بیان شود
فائده های یاد مرگ:
هادم لذات: انسان را تنظیم میکند
برو قبرستان
دنیا در چشم انسان کوچک میکند
حضرت فرمود: کان لی اخ فی الله
غصه دنیا را نمیخورد
برای آن برنامه ریزی میکند
برای علما مرسوم بوده است:
جلسات منازل الاخره
کتاب منازل الآخرة
علامه طباطبایی: ابد در پیش داریم
سختترین عقبه های قبل موت: سكرات موت است
پیامبر: ما اصعب سكرات الموت
نحوه مردن جناب موسی: گلی را ببو تا قبض روح شوی: یا اھون الناس سكره بالموت . حضرت موسی
فرمودند مانند حیوانی که زنده زنده پوست آن بکنند
برای سكرات موت ۱۷ تا روایت هست که چطور میتوان از آن گذشت
یکی دیگر از سكرات موت حول مطلع است. زمانی که میت میفهمد کارش تمام شده است.

بازشناسی پدیده مرگ: مواجهه با مهربان مطلق

یکی از عوامل نگران کننده مرگ: مواجهه با کسی که میخواهیم با او مواجه شویم (سعه مهربانی خدا)
دلیل: عدم شناخت سعه رحمت الهی: مرگ برای مومن ورود به مهربانی است که حد حصر ندارد
روایات مهربانی خداوند
فنادی یا موسی ثلاث مرات

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

انی لافرح بتوبه عبد تائب من عقیم والد
دیباچه گلستان سعدی: گنه بنده کرده است و اوست شرمسار
ما قرار است بر این مهربانی وارد شویم. مرگ ترسناک نیست. مگر اینکه بنای سرکشی داشته باشیم
لذا انسان مومن با این نگاه با مرگ مأنوس است
انا عند حسن ظن عبدی به: گمان تو در مورد خدا چیست؟ کسی که بخیل نیست
بنده در قیامت به سمت جهنم می برند. لماذا تلتفت: باورم همیشه بخوای بزنی
حسن ظن به رب باید داشته باشی
ما بر بوبیتک جاحد و لکن بلیه عرضت او سولت لی نفسی
سرکشی نمیخواستیم بکنیم
ان الله يحب التوابین و يحب المطهرین
معرفت چیست: آن قدر مهربان است که ببذل الله سیاتهم حسنات: تبدیل میکند تا دست خالی قیامت
نیاید.
بنده را که در قبر میگذارند میخواهند بلند شود. سرش به لحد میخورد: عبدی ترکوک وحیدا و انه انس بک
روضه؟

بازشناسی پدیده مرگ: پایان ندانستن مرگ

به خاطر حب جاودانگی و اینکه مرگ را پایان تحلیل میکنیم و حب نفس از مرگ میترسیم
هویت به تن نیست. هویت به روح است. جاودانه است. نفخه من رب است. مرگ تعویض مرکب روح است و
پایان نیست
تحلیل حالات روحی افراد در مواجهه با مرگ:
مرگ دفتر زندگی را جمع میکند
لذت را تمام میکند
صبرا بنی الکرام فما الموت الا قنطرة
به مناسبت این فراز به این مطلب اشاره میکنیم که چرا مردم کوفه امام را یاری نکردند
یکی از عوامل دوری از ولی خدا تحلیل درستی از مرگ نداشتن است. بازماندن از نصرت ولی خدا به این
علت است. در این زمینه باید آسیب شناسی کوفه انجام شود
داستان عبید الله حر جهفی

لباس قرار است عوض کنیم
مرگ پایان تن است نه پایان من

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

روش ذکر موت:

به صورت عملی می‌خواهیم روش هایی در راستای ذکر الموت بیان کنیم
در حمام : سنگ پا
تابلو یاد مرگ جلوی چشم باشد
زیارت قبور مومنین
داستان سید جمال گلپایگانی که در بین الطلوعین وادی السلام میرفت
غسل دادن اموات
گذاشتن در قبر
دیدن احتضار میت
زیارت عدیله در این زمان مستحب است
آن لحظه ای که انسان میبیند در ید قدرت الهی است.

سکرات الموت:

عقبه هایی که هر کس در مورد مرگ باید بداند: سکره الموت است
جائت سکره الموت بالحق: دفعه ای آمد
حالت بی خبری و بی اختیاری قبل از مرگ : نیاز به شرح دارد
زمان بند میاید. از عقبه های سختی است که باید آنرا بگذرانیم
آنقدر سخت است که پیامبر میفرمود ما اصعب سکرات الموت.
مثل به دنیا آمدن بچه که باید مسیری را طی کند و ضجه میزند
یهون سکرات الموت
موسی گلی را بوئید و جانش را گرفتند: یا اھون الناس سکره بالموت
اتفاقاتی که در سکرات میافتد
تشکیک در عقاید توسط شیطان

خط روضه: یکی از راه های کم کردن درد موت همراهی با امام است: و البیت غاص باهله

از حکم بن عتیبه گوید: در این میان که ما با امام باقر (ع) بودیم و اتفاق پر از جمعیت بود بناگاه پیرمردی که بر عصای پیکان داری تکیه میزد پیش آمد تا بدر اتفاق ایستاد و گفت السلام علیک یا ابن رسول الله و رحمه الله و برکاته سپس دم فرو بست.

جلسه دهم: هجرت از سبک زندگی دشمن لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

و امام باقر در پاسخ او گفت و علیک السلام و رحمه الله برکاته سپس آن پیر مرد رو باهل مجلس کرد و گفت السلام علیکم و دم بست تا همه مردم پاسخ گفتند و سلام او را جواب دادند سپس روی بامام باقر (ع) کرد و گفت یا ابن رسول الله مرا بخود نزدیک ساز خدا مرا قربانت کناد بخدا سوگند که من شماها را دوست دارم و دوستداران شما را هم دوست دارم و بخدا که این دوستی شما و دوستی دوستداران شما برای چشم داشت بدنیا نیست.

و [بخدا] برآستی من دشمن شما را بد دارم و از او بیزارم و بخدا سوگند او را بد ندارم و از او بیزار نیستم برای خونی که میان من و او است و بخدا سوگند من حلال شما را حلال می‌شمارم و حرام شما را حرام می‌شمارم و انتظار امر شما را دارم آیا قربانت تو برای من امیدوار هستی؟ (یعنی امیدواری که من اهل سعادت و نجات باشم) پس امام باقر باو فرمود نزد من بیا نزد من بیا، تا او را پهلوی خود نشانید سپس باو فرمود ای پیره مرد راستی که مردی نزد پدرم علی بن الحسین (ع) آمد و همین خواهش تو را از او کرد و پدرم در پاسخش فرمود. اگر بمیری وارد میشوی برسول خدا (ص) و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین (ع) و دلت خنک می‌شود و درونت آرام می‌گردد و چشمت روشن می‌شود و فرشته‌های

الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد / ترجمه کمره‌ای، ج ۱، ص: ۱۴۲

کرام الکاتبین تو را با روح و ریحان استقبال میکنند اگر جانت باینجا برسد (و با دست خود اشاره بگلویش کرد) و اگر هم زنده بمانی آنچه چشمت را روشن کند ببینی و در بالاترین درجه‌های بهشت با ما باشی آن پیره مرد گفت ای ابا جعفر چه فرمودی؟ آن حضرت همان سخن را برایش باز گفت آن پیره مرد گفت:

«الله اکبر» اگر من بمیرم برسول خدا (ص) وارد میشوم و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و چشمم روشن می‌شود و دلم خنک می‌گردد و درونم آرام و خوش می‌شود و فرشته‌های کرام الکاتبین مرا با روح و ریحان استقبال میکنند اگر جانم بدین جا (گلو) رسد؟ و اگر هم زنده بمانم بچشم خود به بینم آنچه را خدا بدان چشممرا روشن کند و در بالاترین درجه‌های بهشت با شما باشم؟

سپس آن پیره مرد فریاد گریه برداشت و نالید ها، ها، ها، تا نقش بر زمین شد و اهل آن خانه هم فریاد گریه و ناله برداشتند از حالی که در آن پیره مرد دیدند و امام باقر (ع) متوجه او شد و بانگشت خود اشگها را از دو پلک آن پیره مرد میسود و میپاشید.

سپس آن پیره مرد سر برداشت و گفت بامام باقر (ع) یا ابن رسول الله خدا مرا قربانت کند دستت را بمن بده و امام دستش را باو داد و پیره مرد دست امام را بوسید و بر دو دیده و گونه خود نهاد و سپس شکم و سینه خود را گشود و دستش را بر روی شکم و سینه خود گذاشت سپس بپا خاست و گفت السلام علیکم و امام باقر بدنبال او مینگریست و او پشت داده و میرفت، سپس امام روی بسوی مردمان کرد و فرمود:

هر که دوست دارد بمردی از اهل بهشت نگرد باید باین پیره مرد نگرد، عتیه گوید من هیچ مجلس سوگواری را بمانند این مجلس پر از شور و گریه ندیدم.